

اخلاق و اقتصاد اسلامی از دیدگاه امام خمینی ره با تاکید بر نظریات امام محمدباقر صدر

مریم افضل زاده نائینی^{**}

اقتصاد در اندیشه انسان، تاریخ طولانی دارد. لذا لازم است علم اقتصاد را از سیستم اقتصادی تمیز دهیم و بدانیم که بین اندیشه علمی اقتصاد و اندیشه سیستمی آن تا چه اندازه تأثیر متقابل وجود دارد تا از این رهگذر بتوانیم مقصود اقتصاد اسلامی را مشخص کنیم.

به این ترتیب علم اقتصاد: عبارت است از علمی که حیات اقتصادی و پدیده‌ها و جلوه‌های آنرا تفسیر کرده، ارتباط آن پدیده‌ها را با اسباب و عوامل کلی که بر آن حاکم است بیان می‌دارد.

اما، سیستم اقتصادی: عبارت از اسلوبی است که جامعه ترجیح می‌دهد که در حیات اقتصادی و حل معضلات علمی خویش از آن پیروی کند. به همین علت نمی‌توان جامعه‌ای را بدون دارا بودن یک سیستم اقتصادی تصور نمود. زیرا هر اجتماعی با تولید ثروت و توزیع آن سر و کار دارد. لذا ناگزیر از این است که اسلوبی را بپذیرد تا بوسیله آن، این عملیات اقتصادی را تنظیم کند و همین سیستم اقتصادی جامعه را معین می‌سازد.

سیستم اقتصادی اسلام، خود دارای یک پایگاه فکری است که خود سیستم ما را بدان رهنمون می‌گردد. این پایگاه، محتوی اندیشه‌های اخلاقی اسلام و اندیشه‌های علمی اقتصادی یا تاریخی بوده که به مسائل اقتصاد سیاسی و یا تجربه و تحلیل تاریخ جوامع بشری ارتباط پیدا می‌کند. بدین سان مقصود ما از اقتصاد اسلامی، سیستم اقتصادی است که در چهارچوب کامل خود با ارتباط با

پایگاه فکری که بر آن استوار شده است و وجه نظر سیستم را در حل معضلات تفسیر می‌کند، مورد توجه قرار گیرد. این پایگاه فکری، منطبق بیانات مستقیم اسلام یا در اثر پرتوئی که خود سیستم بر مسائل اقتصاد و تاریخ می‌افکند، مشخص می‌شود. بنابراین ممکن است وضع علمی اسلام در بحث‌های علم اقتصاد سیاسی «با در بحث‌های ماتریالیسم تاریخی فلسفه تاریخ در خلال سیستمی که اسلام آنرا پایه‌گذاری کرده است و توده‌ها را به آن دعوت می‌کند، بررسی و کشف شود. مثلاً وقتی می‌خواهیم درباره عقیده اسلام، از نظر علمی، در مورد «تفسیر کالا» و تعیین منبع آن، شناخت پیدا کنیم و بفهمیم که چگونه ارزش کالا بوجود می‌آید و آیا این ارزش تنها از کار بدست می‌آید یا از چند چیز دیگر، لازم است از خلال وجهه نظری که سیستم اسلام به سود سرمایه‌دار دارد و تا اینکه تا چه اندازه نظام اسلامی به صحت و عدالت این سود معترف است. آگاه شویم.

همچنین وقتی می‌خواهیم عقیده اسلام را درباره حقیقت نقشی که «سرمایه» و ابزار تولید و «کار» در جریان تولید ایفا می‌کند بشناسیم. لازم است آنرا از خلال حقوقی که اسلام به هریک از این عناصر در زمینه توزیع داده است، بررسی کنیم، این حقوق در احکام: اجاره، مضاربه، مساقات، مزارع بیع و وام بدون بهره به تفصیل وجود دارد.

نیز اگر بخواهیم عقیده اسلام را درباره ماتریالیسم تاریخی و تحولات ادعایی تاریخ کشف کنیم، می‌توانیم آنرا از خلال طبیعت لایتغیر اقتصادی اسلامی کشف کنیم. زیرا اسلام معتقد است که این سیستم با همه دوره‌های تاریخی زندگی انسان از ابتدای پیدایش اسلام و پس از آن قابل تطبیق است.^(۱)

۱- اقتصاد ما، ج ۱، تألیف محمدباقر صدر، ترجمه جمال موسوی، ص ۲۴، تهران: روز به روز، ۱۳۴۸.